سوال و جواب در مورد ایران و ایران شناسی

دکتر چندر گپت بهارتیه

(دکترای زبان سانسکریت، دانشگاه دهلی، هند)

- **سوال** _ بزرگ‌ترین تفاوت فرهنگی که در ایران تجربه کردید چه بوده است؟
- **جواب** _ ایران یکی از بزرگ‌ترین کشورها در مهمان نوازی هست، که من دیدم و تجربه کردم. آنجا درباره مهمان، مردم می گویند "مهمان حبیب خداست" در هند نیز ما مهمان را دوست داریم و درباره مهمان می گوییم **अतिथि देवो भवः** (Atithi Devo Bhavaḥ) یعنی "مهمان خداست" ولی در ایران به‌این جمله کاملا عمل می کنند. در هند نیز ما مهمان را خیلی دوست داریم ولی چون جمیعت خیلی زیاد است، بنابرین بعضی وقت ها معلوم نمی شود. در ایران در مورد مهمان مردم این شوخی هم می کنند که " میهمان گرچه عزیز است ولی هم چون نفس، خفه می سازد اگر آید و بیرون نرود " در هند هم ما اینطور شوخی می کنیم. دیگر مردم ایران خیلی زیاد تعارف دارند، مثلا برای غذا ها چند بار تعارف می‌کنند، برای تعارف خیلی زیاد جمله نیز هست، مثلا – نوش جان، بفرمایید، اول شما بفرمایید، اول دست چپ، اول که طرف قلب هست و دیگر. ما هندی ها نیز تعارف داریم ولی نه اینقدر. اولین بار که من به ایران رفته بودم این تعارف ها برای من خیلی جالب بود ولی بعدا من یاد گرفتم و خوشم آمد.

- **سوال** _ مایل هستید مردم ایران، هندوستان را چگونه بشناسند؟
- **جواب** _ هندوستان کشوری است که میراث‌دار فرهنگ و علم و فلسفه و زبان سانسکریت و دانش بسیار بسیار قدیمی است. ویدا یکی از قدیمی‌ترین کتاب ها در جهان است. فلسفه اوپنیشد یکی از معروف ترین فلسفه ها در جهان است. مردم ایران و جهان، فرهنگ و فلسفه و علم و زبان قدیمی سانسکریت را باید بدانند. در هند زبان های خیلی زیادی دارد، خیلی زیاد جشن و عید دارد، لباس های مختلف، آداب و رسوم مختلف، غذاهای مختلف و ادیان مختلفی دارد. باید دوستان ایران و جهان این چیزها را بدانند. ولی متاسفانه بیشتر دوستان، هند را کشور فقیری می فهمنند که جمعیت خیلی زیاد در آن است، مردم هند را سیاه پوست می دانند، فیلم و سینما و هالیود هندی را می دانند، قهرمانان هندی را می شناسند، و بیشتر دوستان با فیلم های هندی، هند را می فهمنند. من خیلی دوست دارم که دوستان ایران و جهان، هند را با ویداها و اوپنش ها فرهنگ اصلی هند را بشناسند. دوستان ایران

در مورد خدای هندوها نیز بدانند که هندوها نیز یک خدا دارند که خردمندان آن خدای واحد را چند کردند.

- **سوال** _ به نظر شما بارزترین و برجسته‌ترین ویژگی فرهنگ ایرانی چیست؟
- **جواب** _ مردم ایران خیلی هنرمند و معماران بزرگی هستند. آنها خوش خط و خوش بیان هستند. شعر و شاعری فارسی در فضای ایران هست. مردم عام نیز زمانی که باهم صحبت می کنند، در صحبت برای مثال شعر مولانا و حافظ و سعدی را می خوانند. مردم ایران خیلی زیاد مهمان‌نواز هستند، مهمانان را بسیار دوست دارند. دینی هستند و به دین و خدا و پیامبر خیلی زیاد اعتقاد دارند.

- **سوال** _ به نظر شما بهترین و مهم ترین چیزی که فرهنگ هندی، به جهان داده، چیست؟
- **جواب** _ هند از زمان قدیمی به نام **विश्वगुरु** (Viśvaguru) یعنی "استاد جهان" معروف شده است. هند از زمان قدیمی علم و خرد داشت و همین علم و خرد را به جهان هدیه داد. مثلا کتاب پنج تنترا ، فلسفه اوپنیشد ، علم ستاره شناسی و نجوم، علم ریاضی، علم جفر و علوم پزشکی و طبی.

- **سوال** _ فکر می کنید دانش آموزان ایرانی چقدر فرهنگ و مردم هند را می شناسند؟
- **جواب** _ بیشتر دانش آموزان ایران هند، فرهنگ هند و مردم هند را از فیلم هندی می شناسند، و آنطور که فیلم هندی، هند را یا فرهنگ هند را یا مردم هند را نشان می دهد، می شناسند. مثلا در مورد بت و خدایان هندو ها، رسم و مراسم های هند، زبان های و خط های هند وغیره. در حقیقت هند یک خدا دارد ولی دوستان ایران و جهان می فهمند که هندیها خیلی زیاد خدا دارند. در هند زبان‌های خیلی زیاد وجود دارد و فرهنگ و رسوم هند در همه ایالات مختلف است، در روز نوروز هندی در همه ایالت‌های جشن مختلف برگذار می شود، در مورد نوروز هندی. داستان های قدیمی هند که فقط در پنجتنترا نیست، غیر از پنجتنترا هم کتاب های داستانی زیادی در هند است. علم و دانش اصلی ودا و اوپنشد ها و راماین و مهابهارت.

- **سوال** _ اگر بتوانید چند ویژگی از فرهنگ هند، برای هدیه به ایرانیان انتخاب کنید چه چیزهایی را انتخاب می‌کنید؟
- **جواب** _ فرهنگ هند و ایران خیلی شبیه است چون این هر دو کشور از یک خانواده بوجود آمده است، بنابرین این هر دو فرهنگ قدیمی و زیباست. ولی اگر زمان امروزه را می بینیم، من دوست دارم که

رنگ را به دوستان ایران بدهم. من در ایران رنگ سیاه و سفید را بیشتر دیدم. هندی ها همه رنگ ها را دوست دارند و آنها را استفاده می کنند، دوست دارم که دوستان ایران نیز همه رنگ را استفاده بکنند.

- **سوال** _ به نظر شما چه نوع فعالیت‌های فرهنگی باعث آشنایی مردم ایران و هند با پیشینه مشترک فرهنگی کهن شان خواهد بود؟
- **جواب** _ ما می دانیم که در اصل هند و ایران از یک ریشه هستند و از قدیمی از یک گوهر آمده شده ایم، به قول سعدی : "بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش ز یک گوهرند". ما همه انسان ها از یک‌گوهر یعنی از یک پدر هستیم درست است، ولی اینجا این شعر را من برای مردم هند و ایران می آورم، چون که فرهنگ و ادبیات و زبان قدیمی هند و ایران یک بود که آن را در زمان حال نیز می بینیم. پس اگر ما زبان و ادبیات و فرهنگ قدیمی هند و ایران را مطالعه کنیم، می بینیم که در اصل هند و ایران یکی بود، از یک خانواده، مردمان هند و ایران بوجود آمده اند. اگر ما زبان قدیمی هند ایران مثلا زبان وداها که زبان سانسکریت است و زبان اویستا را مطالعه کنیم، می بینیم که هر دو زبان خیلی شبیه است، و بعد از اوستا که به‌زبان پهلوی و فارسی آمده آنها نیز به زبان سانسکریت امروزه خیلی شبیه است، این نشان می دهد که در اصل این هر دو فرهنگ یک بودند. اگر ما می خواهیم فرهنگ هند و ایران را بفهمیم، باید زبان و ادبیات و کتاب های قدیمی هند و ایران را بفهمیم، همین یک طریقه هست که با آن شباهت های زبان و ادبیات و فرهنگ این دو کشور را می توانیم بفهمیم.

- **سوال** _ اوپانیشاد، به عنوان یک اثر فلسفی و یک جهان بینی، با کدام اندیشه فلسفی در ایران شباهت دارد؟
- **جواب** _ اوپنیشد یک گروه از کتاب های فلسفی است که مربوط به وداها است. اوپنیشد فلسفه قدیمی هند را نشان می دهد، که حقیقت جان و جهان و خداوند واحد صحبت می کند. در ایران نیز گروه صوفی هستند که، فکر و فسفه آنها شبیه اوپنشدها است. مثلا - فکر "اناالحق" که الان در فلسفه صوفی نیز هست، در ویدا ها و در اپنیشد ها نیز به نام **अहं ब्रह्मास्मि** (ahaṃ brahmāsmi) یعنی "من حق / خدا هستم" (در بریهدارنیک اوپنیشد 1.4.10 از یجورویدا) موجود هست. مولانا شاعر بزرگ فارسی زبان می‌گویند: "در خانه نشینید نگردید به هر در، زیرا که شما خانه و هم خانه خدایید". در چهاندیوگ اوپنیشد 6.8.7 در سام ودا نیز همین گفته شده است : **तत् त्वमसि** (tat tvamasi) یعنی "تو او یعنی خق / خدا هستی".

- **سوال** _ آموزش زبان سانسکریت، به عنوان یک زبان کهن که با خود اندیشه ویژه ای را نیز به همراه دارد، برای پژوهشگران ایرانی لازم می دانید؟
- **جواب** _ زبان سانسکریت یکی از قدیم ترین زبان ها در هند و همینطور در جهان است. زبان سانسکریت را ما در دو قسمت تقدیم می کیم، قسمت اول آن هست که ما در ودا ها می بینیم و قسمت دوم آن هست که در از زمان رامایِنا شروع می شود و تا امروز هست و زبان زنده است. زبان ویدا که به‌سانسکریت هست، با زبان امروزه سانسکریت کمی فرق می کند. چه زبان سانسکریت وداها باشد و چه زبان سانسکریت رامایِنا و بعد از آن باشد، این هر دو قسمت سانسکریت برای پژوهشگران زبان فارسی و زبان باستانی ایران خیلی مهم و لازم است، اگر آنها می خواهند زبان و ادبیات و فرهنگ قدیم ایران را و زبان فارسی امروزه را کامل بدانند و بفهمند، باید زیان سانسکریت را بدانند و یاد بگیرند. و همینطور برای پژوهشگران زبان سانسکریت و زبان شناس را نیز آموزش زبان فارسی و زبان قدیمی ایران خیلی مهم است، اگر آنها می خواهند که زبان سانسکریت را خوب بدانند و بفهمنند. زبان فقط زبان نیست بلکه زبان یک فرهنگ و فلسفه نیز دارد. بنابرین باید ما هر دو، چه پژوهشگران زبان فارسی یا زبان باستانی ایران باشند یا چه پژوهشگران زبان سانسکریت یا زبان شناس هند و ایرانی باشند، هر دو این زبان ها را خوب یاد بگیرند. بدون یاد گرفتن این زبان ها ریشه اصلی را فهمیدن خیلی سخت است، چون ما باور داریم که ریشه اصلی هند و ایران یکی است، و ما می توانیم این را با یادگیری این دو زبان ثابت کنیم.

- **سوال** _ با نگاه به تاریخ اندیشه فلسفی، کدام بخش را وجه مشترک ایران و هند می دانید؟
- **جواب** _ در فلسفه هند و ایران چند چیز ها شبیه هست، مثلا – هند و ایران هر دو یک خدا، یعنی خدای واهد را قبول دارند. در هند هندوها نیز یک خدا را قبول دارند که خردمندان همان یک خدای واحد را خیلی زیاد کردند. در ودا به نام ریگ ودا 1.164.46 نوشته شده است : **एकं सद्विप्राः बहुधा वदन्ति** (ekaṃ sadviprāḥ bahudhā vadanti) یعنی "حق / خداوند یک است ولی خرمندان همان یک خداوند را از خرد و فهم خود خیلی زیاد کردند". دیگر هند و ایران هر دو قبول دارند که خداوند بت یا مجسمه نداد. در ودا به نام یجور ودا 32.3 نوشته شده است که : **न तस्य प्रतिमा अस्ति** (tasya pratimā asti) یعنی او خداوند بت یا مجسمه ندارد. مردم عام برای آسان کردن عبادت خود، بت یا مجسمه ساختند، چون برای مردم عام به هیچ عبادت کردن سخت است. فقط ریاضتکش، خردمند و دانا و مرتاض‌ها می توانند در هیچ، کامل را ببینند و ریاضت به کشند و عبادت بکنند.

- **سوال** _ تاریخ، هنر و فلسفه در هندوستان، در هم تنیده هستند، برای آغاز مطالعه در هند، کدام یک را نخست پیشنهاد می کنید؟
- **جواب** _ در هند تاریخ، هنر و فلسفه در هم تنیده یعنی یکی نیست. تاریخ جدا است، هنر جدا است و فلسفه جدا است. در تاریخ، فلسفه هست، ولی در فلسفه، تاریخ نیست. یعنی هر فلسفه تاریخ دارد ولی در فلسفه تاریخ نیست. همانطور در هنر نیز فلسفه هست، ولی در فلسفه، هنر نبست. خود در فلسفه، یک فلسفه هست و خود فلسفه که فلسفه است. در هند فلسفه و دین اهر دو از هم جدا است. در دین، فلسفه است ولی در فلسفه دین نیست. کتاب های فلسفی جدا است و کتاب های دین هندو ها جدا است. در هند فلسفه فقط درمورد حق، حقیقت، حان، حهان، بدن، خدا وغیره صحبت می کند. موضوع فلسفه هند فقط این است. دیگر هیچ چیز فلسفه هند صحبت نمی کند. به نظرم همه این سه (تاریخ، هنر و فلسفه) مهم است، و این بستگی به آموزشگران دارد که چه چیزی و چرا می خواهند یاد بگیرد، ولی من چون طالب علم رشته فلسفه هستم بنابرین دوست دارم که دوستان ایران فلسفه هند را اول یاد بگیرند. چون کسی که فلسفه را یاد می گیرد، فرهنگ و ادب و رسمو همه چیز را می تواند به راحتی بفهمدپچون هر در فرهنگ و ادب، ادبیات، رسم و کتاب و زبان ها یک فلسفه دارد، بدون فهمیدن فلسفه، فرهنگ را کاملا فهمیدن سخت است.

- **سوال** _ نحوه آشنایی شما با مرکز پژوهشی اسیا چگونه آغاز شد ؟
- **جواب** _ بنده شاگر پروفسر دکتر راجندر کمار، استاد بخش فارسی، دانشگاه دهلی هند هستم. استادم مرا با سرکار خانم دکتر فرزانه عازم لطفی معارفی آشنا کردند. استاد سرکار خانم دکتر لطفی یکی از بهترین استاد هند شناس در ایران هستند که من دیدم. بعضی اوقات ایشان از ما هندی ها نیز بیشتر در مورد هند و ادبیات و فرهنگ هند می دانند. من از رهنمایی ایشان با مرکز پژوهشی آسیا آشنایی شدم.

- **سوال** _ در ایران چه کسانی را از بهترین استادان هندشناس و مسلط به زبانهای هندی و سنسکریت می دانید و چرا ؟
- **جواب** _ زبان‌های هندی و سانسکریت هر دو زبان هند است و زبان زنده است، مرده نیست. در هند دانشجویان و استادان از هر دو زبان اسفاده می کنند، صحبت می کنند، شعر و داستان و کتاب علمی و آهنگ و فیلم را در این هر دو زبان ها می نویسند. زبان هندی را بیشتر مردم هند استفاده می کنند ولی مردم زبان سانسکریت را از هندی کمتر استفاده می کنند، ولی این هر دو زبان در هند امروزه نیز

اسفاده می شوند. این طور ما می توانیم بگویم که زبان ها دو شکل دارند : یکی زبان های زنده است که مردم آن زبان ها را در حال حاضر استفاده می کنند، مثلا زبان فارسی، هندی، سانسکریت، انگلیسی و غیره و دوم زبان های مرده است که مردم در حال حاضر آن زبان ها را استفاده نمی کنند، مثلا اوستایی، پهلوی، یونانی و مصری وغیره. در زبان های مرده کسی داستان و شعر و غیره نمی نویسند، چون کسی آن ها را نمی خوانند بنابرین استاد زبان های مرده فقط آن زبان ها را با کتاب یا با دستور یاد می دهند. ولی سانسکریت و هندی هر دو زبان زنده است. من تا حال در ایران کسی را ندیدم که استاد این دو زبان ها باشند و شعر و داستان و غیره به این زبان ها بنویسد. ممکن است باشند ولی من ندیدم. من در ایران چند تا کتاب دستور زبان سانسکریت را دیدم، که برای دانش آموزان بود ولی کتاب سانسکریت اصلی را ندیدم که برای دانش‌آموزان باشد. یعنی در ایران بیشتر استادان و دانشجویان را من دیدم که آنها سانسکریت را زبان مرده می‌دانند و به همین دلیل سانسکریت را به فکر زبان مرده یاد می دهند و دانشجویان همینطور یاد می گیرند. اول زبان هست و بعد از آن دستور زبان هست. مطالب دستور زبان مردم را کمک می کند برای آموزش زبان، ولی خود دستور، زبان نیست. با آموزش دستور مردم باید زبان را به خوانند، بعد از خواندن بفهمنند، می توانند به آن زبان صحبت بکنند و در آخر می توانند خود داستان و شعر و غیره را به آن زبان بنویسند. ولی متاسفانه من در ایران کسی را نه دیدم که به زبان سانسکریت چیزی نوشته اند (شاید باشد، متسفانه من نه دیدم). در ایران با کتاب دستور زبان سانسکریت استادان زبان سانسکریت را یاد می دهند. به اینطور فقط دستور یاد می شود زبان نه. ولی غیر از زبان سانسکر یت اگر من درباره زبان هندی را صحبت می کنم، در ایران و در هند نیز که ایرانی ها هستند، خیلی زیاد هستند که زبان هندی را بلدند. آنها خیلی قشنگ زبان به هندی می توانند صحبت می کنند، می توانند زبان هندی را که به خط دیوناگری نوشته می شود، به خوانند و به نویسند. ولی نمی دانم چرا کتاب هندی آنها پیدا نمی شود. امیدوارم که روزی کتاب شعر و داستان زبان های هندی و سانسکریت را من ببینم که دوستان ایریانی می نویسند. پس به نظرم استاد کسی هست که زبان زنده را به طریقه زبان زنده یاد می دهند.

دکتر چندرگپت بهارتیه

(دکترای زبان سانسکریت، دانشگاه دهلی، هند)

15-04-2022